• سرمقـــاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. تلاش‌های حدیث مدار یعنی اقداماتی که در عرصهٔ عرضهٔ حدیث، اعمّ از پژوهش، نگارش و گسترش کلام رسول خدا و ائمهٔ هدی علیهم‌السلام سامان می‌گیرد، پیشینه‌ای کهن دارد، بلکه به زمان حیات پیامبر رحمت و اقدامات آن رسول گرامی باز می‌گردد. حضرتش حقایق وحیانی را به زبان وحی برای مردم باز می‌گفت و همزمان در مورد کسانی هشدار می‌داد که عالِمانه و عامدانه به حضرتش دروغ می‌بندند؛ یعنی دیدگان مردم را نسبت به پدیدهٔ زشت جعل و تحریف می‌گشود.

۲. این تلاشها پس از رحلت حضرتش، در اقدامات هشیاران وفادار اندک شمار که منع حکومتیِ عدم ترویج و بیان و نگارش حدیث را نادیده گرفتند، ادامه یافت؛ آنان به بیان و بنان در نشر مواریث گرانسنگ نبوی کوشیدند. کارنامهٔ پربرگ و بار شیعه در این جهت درخشان و ستودنی و افتخارآفرین است؛ چهارصد اصل گرامی تنها بخشی از این کارنامه است. و بسا پشت صحنه‌های مجاهدانهٔ نورانی و ایثارهای کم نظیر که در این مسیر رخ داد و به آگاهیِ آیندگان نرسید. تنها گواهیِ خدای عالِم الغیب و الشهادة بر آنها، ارج و اجرشان را می‌نمایاند.

۳. این رشتهٔ نور، از اواخر سدهٔ سوم نگارش کتابهای جامع را بر جبین خود دارد. چه رنج‌های طاقت فرسا بردند تا گنج هایی به آیندگان برسانند! این همه گنج شایگان را ما امروز به رایگان در اختیار داریم و به خطا می‌پنداریم که از روز نخست، بدون هزینه‌های گزاف و قبول خطرات دشوار، فراچنگ پیشینیان آمده بود. باری؛ آن کتابهای جامع راه را بر آثار ارزشمندی گشود تا در دوره‌های بعد، جوامع حدیثی با ترتیب و تقسیم‌های جدید و نیاز محور پدید آید و کتابخانهٔ مکتب اهل بیت را غنا بخشد.

وچه نیکو گفته اند:

تا به دست ما رسد گنجینهٔ ایمان و نور

بارها تمّارها رفته فراز دارها

۴. این همه پیش از تحولات شتابناک صنعتی و ارتباطیِ دو سه قرن اخیر بود. این تغییرات ژرف گرچه در دنیای صنعت بروز کرد، ولی پژواک صدای تغییر را در فضای اندیشه و رویکرد و فرهنگ زندگی آدمیان بازتاب داد. نتیجه اینکه انسانِ پس از این تحولات به راستی با انسانِ پیش از آن، تفاوت‌های جدّی در تمام ساحت‌های زندگی یافت و عرصهٔ زندگی فردی و اجتماعی رنگ دیگر به خود گرفت. این تغییرات بر فرهنگ «وحی پذیریِ» مردمان نیز آثار مشهود و محسوس بر جای نهاد.

۵. اکنون ماییم و دنیایی سخت پیچیده، پرتغییر، سرشار از پرسش‌های نوپدید و نیازمند به پاسخ‌های مستدلّ و منطقی. نسل امروز زبان دیروز را کنار نهاده و مانند تشنه‌ای در پی آب می‌دود تا عطش خود را برطرف کند. سوء استفادهٔ پدیدآورندگان آبهای آلوده از این همه عطش و پرسش فزاینده، واقعیت تلخی است که در چنین فضایی رخ می‌نماید. نادیده گرفتن این همه چگونگی‌ها نه حکم عقل است و نه آیین حکمت.

۶. گنجینهٔ حدیثی مجموعه‌ای از داده هاست که اگر پردازش نشود و تولید علم –به معنای امروزین– بر اساس آن صورت نگیرد، مجموعه‌ای راکد و گذشته نگر به نظر می‌رسد. چنین گنجینه‌ای با چنان نگاهی در دنیایی که وقفه در آن راه ندارد و هر لحظه به آینده می‌نگرد، در نگاه اول جایی ندارد. این است یکی از راز و رمزهای دین گریزی و گاه دین ستیزی در برخی از افراد نسل جدید که جستجوگرانه و پیگیر، در پی تازه هایند و مطالب گذشته را بر نمی‌تابند.

۷. در عرصهٔ زندگی اجتماعی، از «پیامدهای زیست محیطی و اجتماعی فعالیت‌های توسعه ای» به عنوان چالشی سخن می‌رود که به راهکارهای روزآمد نیاز دارد؛ راهکارهایی که عالِمانه و محققانه و واقع بینانه مطرح شود. همین واقعیت را به گونه‌ای دیگر می‌توان دید: پیامدهای فرهنگی، دینی و اعتقادی فعالیت‌های توسعه که ضرورت احیای زیست بوم آسیب دیدهٔ دینی و اعتقادی را می‌طلبد. مشروعیت اخلاقی نهادهای دینی، به ویژه

نهادهای متولّی نصوص وحیانی، در گرو تحقق بخشیدن به این ضرورت است.

۸. هرگونه بی تدبیری و روزمرّگی در این فرآیند، سبب فرصت سوزی می‌شود و سرمایهٔ معنوی نسلها را به باد می‌دهد. اندیشه‌ها و رویکردهای تحوّل ستیز، در فضای امروز جایی نمی‌یابند، چه رسد به فضای آینده. شناخت ژرف و همه جانبه و روزآمد از تحولات، کمترین بایستهٔ نهادها و مراکزی است که تلاش‌های حدیث مدار را در برنامهٔ خود گنجانده اند.

و مگر امیر کلام علیه الصلوة و السلام قرنها پیش به بیانی آسمانی هشدار نداده بود که: «إنّ أخا الحرب الأرقّ، و من نام لم يُنَم عنه» (نهج البلاغه، نامه ۶۲).

۹. مردم امروز توقّع دارند با صرف کمترین هزینه و زمان، پاسخ پرسش‌ها و نیازهای خود را بر اساس آموزه‌های مکتب اهل بیت دریافت کنند. اگر به چنین پاسخی نرسیدند، دست از این مکتب برمی‌دارند و به مکاتب دیگر روی می‌آورند که به آنها پاسخ دهد. انسان تشنه آب می‌جوید؛ تا آنجا که اگر نیاز خود را در آب زلال و سالم نیافت، به آب آلوده روی می‌آورد. کلام، فراتر از این است. امروز، همگان از کلّی گویی روی گردانند و در پی مکتبی هستند که منشور جامع برای زندگی امروزین ارائه کند و شاخص هایی کاربردی به دست دهد، بدون اینکه به ارزیابی مبانی تدوین شاخص‌ها کار داشته باشد. در این میان کوشندگان مکتب اهل بیت باید بر مبنای گنجینهٔ غنیّ حدیثی و با فرآوریِ بایستهٔ آن، کاربران را به شاخص هایی آسمانی رهنمون شوند.

۱۰. اگر متولیان مکتب اهل بیت و تلاشگران عرصهٔ حدیث دست از رویکرد فعال و کنش گرایانه بردارند، ناگزیر از رویکرد انفعالی و واکنشی خواهند بود که نارسایی آن نیاز به توضیح ندارد. شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای فضای جدید و راهکار مقابله با چالش‌های نوپدید، ضرورتی است که پیامد انکار آن فقط حذف شدن چنین بازیگرانی از صحنه خواهد بود. این قانون عامّ و فراگیر، در مورد متولیان تلاشهای حدیث مدار نیز صادق است، بخواهند یا نخواهند.

۱۱. فضای روایة الحدیث و درایة الحدیث تا کنون برگهای درخشانی در جهت گسترش فرهنگ اهل بیت شاهد بوده است. ولی همراهی با فضای جدید، پاسخ هایی به پرسش‌های نوپدید می‌طلبد؛ پرسش هایی مانند:

*هوش مصنوعی در سپهر آیندهٔ حدیث پژوهی چه جایگاهی دارد؟ و چگونه باید با آن تعامل کرد؟

*جایگاه تکنولوژی‌ها و ابزارها و شیوه‌های امروزینِ آموزشی و پژوهشی در تلاشهای فرهنگیِ مرتبط با کلام اهل بیت چیست؟ تلاشگران عرصهٔ حدیث تا چه اندازه از این همه تنوّع و جامعیت بهره می‌برند؟

*آیا در عرصهٔ حدیث، موازنه‌ای میان ترویج و تحقیق برقرار است؟ فضای حدیثی ما تا چه اندازه به تلاشهای ترویجی بها می‌دهد؟ آیا این رویکرد درست است که برای اعزام به مناطق محروم، افرادی با استعداد پایین و کیفیت نازل انتخاب شوند و آن همه زمینهٔ فکری و پتانسیل هوشی که در چنان مناطق موجود است، نادیده گرفته شود؟

*آیا پژوهش‌های میان رشته ای، پژوهش‌های میدانی و تحقیقات کاربردی و مسئله محور، به جایگاه شایسته و بایسته در مجموعهٔ تلاشهای حدیث مدار رسیده است؟

۱۲. به هر حال، این عرصهٔ دشوار به افرادی زبده نیاز دارد که:

*پایی در سنّت دیرپای حدیثی دیروز داشته باشند و پایی در فضای اطلاع مدار امروز.

*با کارهای درازمدت، ریشه ای، بنیان ساز و مبنایی انس و الفتی داشته باشند.

*کار فرهنگی بنیانی را با نمایش محوری و کمیت زدگی و ظاهرسازی آلوده نکنند.

*بدانند که پویاییِ ذاتی فرهنگ، پیوسته عناصر جدیدی را جذب فضای فرهنگی می‌کند. این جذب، هماره به استقبال شایان نیاز دارد.

۱۳. مهمترین عنصر بایسته برای تلاشگران حدیثیِ جریان ساز و تحول آفرین، توجّه همارهٔ آنها به آن امام همام است که امامتش نظام دین است و قبول ولایتش مدار آیین. تمام آشفتگی‌های دین و دنیای ما به دست آن گرامی سامان می‌یابد و جز به انتظارش چشمی به انتظام امور نمی‌توان داشت.

همو که نیای گرامش باب مدینهٔ علم نبوی، امیرالمؤمنین علیه‌السلام ضمن تفسیر حروف الفباء، در تفسیر حرف تاء فرمود: «والتاء تمام الأمر بقائم آل محمد» (معانی الاخبار، ص ۴۳). از لطف خدایی که او را با عبارت «یا مبتدئاً بالنّعم قبل استحقاقها» می‌خوانیم، امید می‌بریم که ناتمامی‌های ما را با ظهور این «تمام الأمر» به سامان برساند. آمین